

شعارهایی علیه پلیس سرمی‌دادند و به همین ترتیب به ورزشگاه نزدیک شدند. یکی از آنها ناگهان سلام فاشیستی داده و از چهره‌اش مشخص بوده که به این مسأله افتخار می‌کند. پیچیتلی زمانی ادعا کرد: «ما آخرین فاشیست‌های رم هستیم!»

چهار مکان برای تطبیق بلیت و کارت شناسایی وجود داشت؛ بلیت خبرنگار ما همانطور که حدس زده‌اید با کارت شناسایی‌اش مطابقت نداشت اما او تنها با استفاده از نام «Irriducibil» بدون مشکلی وارد استادیوم شد.

در یک بروشور، تمام برنامه‌هایی که قرار بود از سوی «متوقف‌نشدنی‌ها» انجام شود، به تفصیل توضیح داده شده بود. پائولو و همکارانش سخت پیگیر اجرای دقیق این برنامه‌ها شدند. در این جایگاه هواداران جوانی نیز حضور داشتند و بوی تند سیگار فضا را پر کرده بود. در این جایگاه هیچ‌کس روی صندلی‌ها نمی‌نشست. دو سوم ورزشگاه هشتاد هزار نفری «المپیکو» در یک چشم به هم زدن پر

نزدیک ورزشگاه حضور باید. سوار ماشین خود شد و دفتر را ترک کرد. دفتری که چند ماه پیش از آن یک بمب اطرافش کشف شده بود تا مشخص شود این گروه علیرغم دوستان مشهورش، دشمنان سرسختی نیز دارد.

شش ساعت به آغاز دربی مانده بود که پائولو برای خبرنگار ما پیامی با این مضمون فرستاد: «اندی کجا هستی؟» و در پیام بعدی از خبرنگارمان برای ملحق شدن به هواداران تیم در یک کافه قدیمی و زیبا در شمال ورزشگاه المپیکو دعوت به عمل آورد. کافه‌ای که برای رسیدن به آنجا باید از یک پل باشکوه و قدیمی عبور می‌کرد. پلی که هواداران اولترای لاتسیو معمولاً در آنجا جمع و مهیای دیدار تیم محبوب خود می‌شوند.

کافه در اطراف کلیسایی به نام «Great Mother of God» قرار داشت و هواداران اولترا در آنجا به چشم می‌خوردند. گروهی از هواداران متعصب که شاید ۴۰۰ نفر بودند، در طول مسیر با هم احوال‌پرسی می‌کردند. خبرنگار



به جنگیدن و دعوا علاقه داریم! آشوب و اغتشاش برای ما همواره اهمیت داشت. حالا اما پلیس همانند پلیس انگلستان شرایط را تغییر داده است. آنها اکنون ما را به خاطر کارهایی که سابقاً بدون مشکل انجام می‌دادیم، دستگیر می‌کنند! زمانی که انگلیس در سال ۱۹۹۷ در رم به میدان رفت را به خاطر دارید؟ بیست هزار انگلیسی آمدند. آن زمان ۳۶ نفر از آنها و یک ایتالیایی دستگیر شدند و من همان یک نفر بودم! از تماشای بازی‌ها محروم شدم و هر زمان که لاتسیو خارج از کشور بازی داشت، من باید گذرنامه‌ام را تحویل می‌دادم.»

فرانکو سپس یک بار دیگر نیز مسیر و موضوع گفت‌وگو را تغییر داد و گفت: «گروه Irriducibili در سال ۱۹۸۷ آغاز به کار کرد. صحنه‌سازی‌ها و طرح‌ها برای ما به اندازه مسابقه مهم هستند. ما باشگاه نیستیم و یک بخش جدا هستیم! اینجا دفتر ما است. ما اینجا همدیگر را ملاقات و در خصوص برنامه‌ها و پرچم‌هایمان صحبت می‌کنیم. اینجا خانواده دوم ما به حساب می‌آید. من از همسرم جدا شده‌ام و باید بگویم که تمام افراد اینجا را مدت زمان بیشتری نسبت به او می‌شناختم.»

او در پاسخ به پرسش خبرنگار ما پیرامون رابطه‌اش با باشگاه نیز گفت: «گاهی خوب و گاهی بد.» خبرنگار ما در همان لحظه یک بار دیگر شانس خود برای حضور در جایگاه «Curva» را به ورطه آزمون گذاشت و این بار با جواب «شاید» مواجه شد.

در طبقه پایین شرایط مهیج و پرتنش حاکم شده بود؛ کارت‌ها و برگه‌ها داخل ماشین گذاشته می‌شدند. روی یکی از دیوارها تصویر «پائولو دی‌کانیو» نیز به چشم خبرنگارمان خورد؛ کسی که اولتراها او را از خودشان می‌دانند، کسی که یک بار روی دیواری با اسپری نوشت: «رم فضله است و جایگاه هواداران آنها بوی بد می‌دهد.»

دی‌کانیو زمانی که در تیم جوانان لاتسیو بود، با گروه «متوقف‌نشدنی‌ها» سفر می‌کرد تا دیدارهای خارج از خانه را از نزدیک تماشا کند. او درباره این مسأله در مصاحبه‌ای گفته بود: «من این سفرها را از باشگاه مخفی کردم. اگر آنها متوجه این مسأله می‌شدند، احتمالاً من را از تیم اخراج می‌کردند.»

به طبقه بالا برگردیم؛ کمی بعدتر شخصی به نام پائولو وارد شد. چهره‌ای محتاط. خبرنگار ما با او تنها از طریق تلفن و پیام مکالمه داشت و او به خبرنگار ما اجازه گرفتن چند عکس از دفتر را داد. چند عکس کارتونی، تصویر جشن سی سالگی گروه «متوقف‌نشدنی‌ها» و قاب عکس‌هایی از تنی چند از اعضای مرحوم این گروه در دفتر. سپس پائولو از خبرنگار ما دعوت کرد تا کنار هواداران لاتسیو در کافه‌ای

حتی در اسپانیا هم هواداران تیفوسی باشگاه اسپانیول یاد و خاطره «دیابولیک» را زنده کردند. یادر شهر رم، هواداران اولترا و تیفوسی رقیب، بنری بااین نوشته در ورزشگاه برافراشتند: «بازندگان می‌جنگیم و به مردگان احترام می‌گذاریم.» هواداران تیفوسی یوونتوس هم روی نیمکت پارکی که پیچیتلی در آن به قتل رسید، به رسم یادبود، تاج گلی بزرگ گذاشتند. یک روز پس از قتل او، بنری بزرگ با مضمون «دیابلو زنده است» خارج از کلیسای تاریخی رم برافراشته شد.



شد و در دست یکی از هواداران، پرچمی مشکی با چشمان «دیابلو» خودنمایی می‌کرد. ناگهان صدای طبل فضا را پر کرد و در فاصله پنج دقیقه مانده به شروع دیدار، پرچمی بزرگ بالا رفت و برای ده دقیقه همان بالا ماند تا هواداران با فریادهایی بلند شعار «زنده‌باد لاتسیو» سر دهند.

بازی شروع شد، رهبران اولترا در جایگاه بودند، هواداران وستهم نیز از راه رسیدند و جو فوق‌العاده‌ای را در جایگاه رقم زدند. دیداری جذاب و تماشایی در جریان بود اما لاتسیو از جالوروسی عقب افتاد. یک گل، گرگ‌ها را از رقیب پیش انداخت و جایگاه هواداران لاتسیو از دیوار هم ساکت‌تر شد. رم شهری مملو از توریست است اما در المپیکو و در جایگاه تیفوسی‌ها هیچ کسی به عکاسی نمی‌اندیشد. پائولو یک بار دیگر در همان دقایق به اندی پیام داد و از او خواست تا به جلوی جایگاه برود. او باید بلیتش را به مسئول اولتراها پس می‌داد. پائولو سپس گفت: «ما در نیمه اول در اعتراض به قوانین جدید علیه اولتراها شعاری ندادیم.» او درباره پرچم نیز گفت: «طراحی آن ۲۴ ساعت طول کشید. ماسیمو هنرمند ما است و پرچم‌های بسیاری آماده کرده است.»

با دقت در آن پرچم می‌شد تصویر «دیابلو» را نیز دید. پرچم‌های دیگری هم دیده می‌شدند که یکی از آنها به تصویر یکی از هواداران لاتسیو اختصاص داشت که در سال ۱۹۷۹ بر اثر برخورد شعله پرتابی از سوی هواداران رم، جان خود را از دست داده بود.

گروه سال‌هاست که به این پرچم «دیابلو» افتخار می‌کند، حتی ویدئویی از تهیه و انتقال آن به ورزشگاه نیز یکی از ویدئوهای پر بیننده شبکه‌های اجتماعی شده. پرچم دیگری که همواره در ورزشگاه به اهتزاز درمی‌آید این جمله را در دل خود گنجانده: «ما باور نداریم که پیچیتلی مرده. او باز هم متولد خواهد شد و همیشه با ما و در کنار ما است.»

آن مسابقه سرانجام با نتیجه تساوی به پایان رسید و جایگاه بعد از گل تساوی‌بخش عقاب‌ها منفجر شد اما بعد از آن تب و تاب فروکش کرد. حداقل تا بازی بعدی. این رسم همیشگی هواداران لاتسیو است. اولتراهایی که به فردا نگاه می‌کنند، از ادای دین به پیچیتلی خرسند هستند و همواره با رضایت المپیکو را ترک می‌کنند؛ چه این رضایت به خاطر پیروزی تیم‌شان باشد یا شعارعلیه پلیس یا ادای احترام به یکی از اعضای قدیمی.

